

نوع مقاله: ترویجی


ابهامات قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴

dr.mdjafari@semnan.ac.ir

مجتبی جعفری / دانشیار گروه حقوق دانشگاه سمنان

روح‌الله قدرتی / دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی

ghodratirohqom@gmail.com

 orcid.org/0009-0006-2735-4222



<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۹ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۰

چکیده

«امر به معروف» و «نهی از منکر» در شریعت اسلام یک وظیفه شرعی برای مردم است. قانونگذار جمهوری اسلامی ایران نیز به واسطه جایگاه این امر مهم در تعالی نظام اجتماعی، در سال ۱۳۹۴ اقدام به تصویب قانون «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» نموده است. این مقاله با رویکرد تحلیلی ارائه می‌گردد، به بیان ابهامات و چالش‌های قانون مذکور پرداخته است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که اگرچه هدف قانونگذار از این قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر بوده، اما در این مسیر علاوه بر بحث حمایتی، مباحث و مقدماتی را مطرح نموده که موجب ابهامات فراوان حقوقی شده است. این پژوهش کوشیده است ضمن بیان و تحلیل ابهامات موجود، در جهت حل آنها گام مؤثری بردارد.

کلیدواژه‌ها: امر به معروف، نهی از منکر، قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر.

مقدمه

امر به معروف و نهی از منکر به مثابه یک وظیفه شرعی و عقلی اگر قرار است اثر واقعی خود را بگذارد، نیازمند پیگیری تمام اعضای جامعه است. هر عقل سلیمی به دنبال جامعه سالم است و جامعه سالم نیازمند توجه افراد آن و احساس مسئولیت نسبت به معضلات و مشکلات جامعه. اگر شهروندان نسبت به معضلات جامعه خود حساس نباشند قطعاً آن جامعه، نه تنها پیشرفت نخواهد کرد، بلکه به ساحل آرامش هم نخواهد رسید. علت اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در اسلام هم این است که اسلام علاوه بر مسئولیت فردی برای مؤمنان، برای آنها مسئولیت اجتماعی نیز قائل است.

در ایران اسلامی آنچه مسلم است کاهش انگیزه مردمی نسبت به انجام این فریضه در سطح جامعه است و حتی اگر کسانی هم به این امر اقدام می‌کردند آماج بی‌احترامی و حتی آزار قرار می‌گرفتند و مجروح و گاهی نیز کشته می‌شدند.

در سال ۱۳۹۳ بعد از شهادت جوانی به نام علی خلیلی به واسطه انجام امر به معروف، نمایندگان مجلس شورای اسلامی تصمیم گرفتند در جهت حمایت از کسانی که اقدام به انجام این اصل اسلامی می‌کنند، گامی مؤثر بردارند. در تیر ماه ۱۳۹۳ طرحی به مجلس ارائه کردند و در کمتر از یک سال در سال ۱۳۹۴ آن را به تصویب رساندند.

اما این قانون از لحاظ حقوقی ابهاماتی دارد که این ابهامات نگارندگان را بر آن داشت با توجه به این فریضه مهم و تأثیرگذار در جامعه اسلامی، به بیان و تحلیل این قانون بپردازند و ابهاماتی را که این قانون دارد، بررسی نمایند.

۱. تبیین مفاهیم

۱-۱. تعریف فقهی «امر به معروف» و «نهی از منکر»

در تعریف «امر به معروف» و «نهی از منکر» کمتر سخن گفته شده است. به عقیده شهید ثانی:

الأمر بالمعروف و هو الحمل علی الطاعة قولاً أو فعلاً، و النهی عن المنکر و هو المنع من فعل المعاصی قولاً أو فعلاً (شهید ثانی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۴۰۹)؛ امر به معروف یعنی: وادار کردن دیگران به پیروی از اوامر پروردگار، با زبان باشد یا با عمل. نهی از منکر نیز عبارت است از: ممانعت و بازداشتن از انجام گناهان، با زبان باشد یا با عمل.

در بیان دیگری در تعریف «امر به معروف» و «نهی از منکر» آمده است:

الترغیب فی فعل ما ینبغی و هو بالمعروف و التانی الترغیب فی ترک ما لاینبغی و هو النهی عن المنکر (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۳۱۵).

در این تعریف برخلاف قول اول از واژه «ترغیب» استفاده شده است.

همچنین گفته شده است:

الأمر بالمعروف: الإرشاد إلى المراد المنجية، والنهي عن المنكر: الزجر عما لا يلائم في الشريعة. و قيل: الأمر بالمعروف: أمر بما يوافق الكتاب و السنة، و النهي عن المنكر: نهى عما تميل إليه النفس و الشهوة (جرجانی، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۲۷): امر به معروف، ارشاد و راهنمایی به راه‌های نجات‌بخش، و نهی از منکر بازداشتن از اموری است که با شریعت سازگاری ندارد و گفته‌اند: امر به معروف دستور و فرمان است به آنچه مطابق کتاب و سنت است و نهی از منکر بازداشتن از چیزهایی است که نفس و شهوت به آن تمایل دارد.

برخی «امر به معروف» را به اصطلاح خاص و عام تعریف کرده‌اند که در معنای خاص آن شامل جهاد نمی‌شود، ولی در معنای عام، مسئله جهاد را دربر می‌گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۶۶-۱۸۰).

۲. ابهامات در قلمرو نظری: مفاهیم و اصطلاحات

برخی از مفاهیم و اصطلاحاتی که در قانون فوق‌الذکر به کار گرفته شده دارای ابهامات قابل توجهی هستند که در برداشت و فهم حقوقدانان و مجریان از قانون مذکور ممکن است مؤثر باشد. این در شرایطی است که از لحاظ فن قانون‌نویسی لازم است عبارات و اصطلاحات مدنظر قانونگذار تا جایی که ممکن است، صریح و مشخص بوده و امکان تفسیر آنها نباشد، مگر اینکه ابهام‌آمیز بودن این عبارات را رفتاری عامدانه از سوی قانونگذار به منظور فراهم کردن امکان تفسیرهای گوناگون توسط قضات و بهره‌مندی از این وضعیت در جهت برقراری بهینه نظم و امنیت به حساب آوریم.

در ادامه به بررسی ابهامات قانون مذکور می‌پردازیم:

۲-۱. بند اول. حریم خصوصی

ماده ۵ قانون «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» مصوب ۱۳۹۴ مقرر می‌دارد:

در اجرای امر به معروف و نهی از منکر، نمی‌توان متعرض حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل و حریم خصوصی و حقوق اشخاص گردید، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

اما اینکه مفهوم «حریم خصوصی» چیست؟ چه مواردی را دربر می‌گیرد؟ و بسیاری سؤالات دیگر، متأسفانه قانونگذار هنوز در جهت رفع آن اقدامی صورت نداده است.

حفظ حریم خصوصی افراد به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های حقوق شهروندی در این سال‌ها همواره مدنظر دولت‌ها بوده است. قوه قضاییه اولین نهاد دولتی است که می‌توان آن را پیشگام حمایت از حریم خصوصی معرفی کرد. بخشنامه رئیس وقت قوه قضاییه (آیت‌الله شاهرودی) در ۱۳۸۳/۱/۲۰ با عنوان «احترام

به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی» و آخرین آنها «منشور حقوق شهروندی» که در ۱۳۹۵/۹/۲۹ رونمایی شد، در بخش (خ) مواد ۳۶ الی ۴۲ این منشور را به بحث «حریم خصوصی» اختصاص داده است که اگر کمی در این مواد دقت شود چیزی جز توضیح اصول ۲۲ و ۲۵ قانون اساسی نیست. باید گفت: بحث حریم خصوصی و حمایت از آن تبیینی فراتر از این می‌طلبد.

در اینجا باید متذکر شد که اگر تا دیروز بحث از احترام به حریم خصوصی بیشتر جنبه نظری داشت، اما با وجود تصویب قانون «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» زمان مصداق عملی آن رسیده است. اختلافات در این زمینه زمانی آغاز می‌گردد که استثناهایی در بحث «حریم خصوصی» در تبصره ماده (۵) قانون «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» مطرح می‌شود و موضوع به شکل کلی رها می‌گردد و این نمی‌تواند راهگشای مسئله اختلافات باشد.

«حریم خصوصی» چیست؟ چه مواردی را شامل می‌شود؟ مجازات ناقض حریم خصوصی چیست؟ تعیین مصداق «حریم خصوصی» با کیست؟ کدام دادگاه برای رسیدگی به این منظور صالح است؟ ابهاماتی از این دست می‌تواند در حین اجرای قانون مشکلاتی را به وجود آورد.

از این رو به نظر می‌رسد زمان آن رسیده است که قانونگذار در جهت اجرای بهتر قانونی که با تمام فراز و نشیب‌ها به تصویب رسیده، اقدامات لازم را انجام دهد که یکی از این اقدامات مؤثر می‌تواند - دست کم - تعیین تکلیف بحث حریم خصوصی باشد که به مدت ۱۰ سال است در مجلس مطرح بوده، اما به هر علت کنار گذاشته شده است.

۱-۲. مفهوم «امر به معروف» و «نهی از منکر» در قانون

قانونگذار در قانون آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴ به تعریف این دو واژه پرداخته است:

ماده ۲: امر به معروف و نهی از منکر، دعوت و واداشتن دیگران به معروف و نهی و بازداشتن از منکر است.

آنچه مسلم است اینکه قانونگذار هنگام نگارش ماده، هر دو معنای «ترغیب» را که شامل تمام مراتب (قلبی، لسانی و عملی) امر به معروف و نهی از منکر و «واداشتن» را که در مرحله عملی معنی پیدا می‌کند، مدنظر قرار داده است.

با توجه به تعاریف موجود در فقه و حقوق راجع به مقوله «امر به معروف» و «نهی از منکر»، در قانون «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» ابهاماتی به چشم می‌خورد که لازم است ضمن تدقیق در آنها، راهی برای رفع ابهام یافت. این ابهامات به همان اندازه در قلمرو نظری و اصطلاحات حقوقی به کار رفته در این قانون قابل مشاهده است که در صحنه عمل و به هنگام اجرای این قانون ممکن است با آنها مواجه شویم.

در ادامه، این مقاله کوشیده است به مهم‌ترین ابهامات موجود اشاره کند.

۲-۲. بند دوم. حقوق اشخاص

بحث درباره «حقوق ملت» در قوانین اساسی کشورها از جمله اصول مهم و بنیادینی است که مدنظر قرار گرفته و به شکل‌های گوناگون به آن اشاره شده است.

۲-۲-۱. حق مساوات و برابری

اصل ۱۹ قانون اساسی اشعار می‌دارد:

مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.

امروز «برابری» از اصول اساسی برای ایجاد یک نظام سیاسی آزاد در دنیا مطمح نظر قرار دارد و دو چیز را دربر می‌گیرد:

اول. برابری در حیثیت و کرامت انسانی از حیث انسان بودن، و دوم. برابری در حقوق؛ یعنی در تمتع و برخورداری از حقوق مدنی و سیاسی و اجتماعی به‌عنوان یک شهروند (طباطبایی موتمنی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۰۱).

بدین‌روی در اصل ۲۰ قانون اساسی آمده است:

همه افراد ملت، اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

۲-۲-۲. حق آزادی

برخلاف گذشته که افراد را به خاطر عقاید مخالف مجازات می‌کردند، امروز دیگر نمی‌توان اشخاص را به صرف داشتن عقاید متفاوت اخلاقی و مذهبی و باورهایش اذیت و آزار کرد. برای مثال، «در قرون وسطا گاهی افراد را به صرف داشتن عقایدی که موافق با نظرات رسمی کلیسا نبود به فجیع‌ترین وضعی مجازات می‌کردند» (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۴۸).

در ایران نیز شرط بیان عقاید و نظرات طبق اصل ۲۴ قانون اساسی آن است که مخل مبانی اسلام و حقوق عمومی نباشد.

نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.

۲-۲-۳. حق امنیت

امنیت را باید پایه اساسی ایجاد حقوق برای ملت در نظر گرفت. تا زمانی که مردم نسبت به جامعه و خود

احساس امنیت نکنند، نمی‌توانند به راحتی حقوق خود را استیفا کنند. از این رو در اصل ۲۲ قانون اساسی مقرر می‌دارد:

حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

به هر حال اصول ۱۹ تا ۴۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حقوق متعددی را برای افراد جامعه در نظر گرفته است که اولاً، همه مردم برای بهره‌برداری از آنها مساوی هستند و ثانیاً، هیچ‌کدام از این آزادی‌ها مطلق نیست و با الفاظی مثل «مگر به حکم قانون» (اصل ۲۵) و «مخل مبانی اسلام نباشد» (اصل ۲۷) آن را مقید کرده است.

در پایان بند دوم باید اشاره کرد: ماده (۵) قانون «حمایت از آمران معروف و ناهیان از منکر» مصوب ۱۳۹۵ مواردی از حقوق را برشمرده است: حیثیت، جان، مال، مسکن و شغل اشخاص که در اصل ۲۲ قانون اساسی به آنها اشاره شده است. بعد از این حقوق، عنوان «حریم خصوصی» را مطرح کرده است که خود موارد بسیاری را شامل می‌گردد. در ادامه از «حقوق اشخاص» نام می‌برد.

سؤال این است که منظور از به کار بردن این واژه چیست؟ آیا این واژه عنوانی کلی است که دربرگیرنده موارد قبل از آن می‌شود، یا خیر، قانونگذار حقوق دیگری را مدنظر دارد؟ آیا این حقوق جدید شامل مواردی است که در قانون اساسی و شرع به آن اشاره شده و یا موارد دیگری را شامل می‌شود؟

چون این عنوان به صورت مطلق آمده هر کس می‌تواند هر موردی را به منزله حق خود قلمداد کند. از این رو به نظر می‌رسد قانونگذار باید - دست کم - برای جلوگیری از برداشت نادرست نسبت به واژه «حقوق اشخاص» از عبارت (قانونی و شرعی) در این ماده استفاده می‌نمود.

۳-۲. بند سوم. تعرض

در ماده ۵ قانون آمده است:

در اجرای امر به معروف و نهی از منکر، نمی‌توان متعرض حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل و حریمی خصوصی و حقوق اشخاص گردید.

درباره این ماده قانونی چند نکته قابل توجه است:

۱-۳-۲. تعرض به حیثیت

مراد از «حیثیت» در این ماده مشخص نگردیده است و باید بیان شود که منظور چیست؟ ظاهر آن است که این کلمه در اینجا به «اعتبار» و «آبرو» معنا می‌شود و در صورتی که چنین معنایی برای آن تصور شود باید دید در انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر چه حالاتی برای آن می‌توان در نظر گرفت.

۱-۳-۲. حالت اول

در صورتی که امر به معروف و نهی از منکر با حفظ آبرو و بدون آزار و هتک حرمت نسبت به تارک معروف و عامل منکر امکان داشته باشد و آمر به معروف و ناهی از منکر در این حال به حیثیت او تعرض کند، این گونه امر به معروف و نهی از منکر را شرع مقدس تأکید نمی کند و فقها نیز نظری بر آن ندارند (حلی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۴۰۸).

۲-۳-۱-۲. حالت دوم

در صورتی که امر به معروف و نهی از منکر جز با تعرض بر مثل «حیثیت» (یعنی آبرو و اعتبار) افراد ممکن نباشد. در این حالت با توجه به آنچه در مراتب امر به معروف و نهی از منکر گفته شد، هرچند امر به معروف و نهی از منکر مفسده اندکی دارد، ولی به علت جلب منفعت اهم که آن ترک منکر است، از نظر شرع باید این فریضه صورت پذیرد (اصفهانی، ۱۴۱۱ق، ج ۶، ص ۱۵۷).

حال اگر کسی به واقع از باب امر به معروف و نهی از منکر این گونه عمل کرد و خاطی از او شکایت و ادعای حیثیت نمود، این ماده قانونی حامی کسی است که معروف را ترک و منکر را انجام داده و با شرع در تضاد قرار می گیرد.

۲-۳-۲. تعرض به جان، مال، مسکن و شغل

تمام آنچه درباره «تعرض به حیثیت» بیان شد در این موارد هم صادق است و باید استثناهایی به همان شکل برای این موارد در قانون آورده شود؛ زیرا گاهی فرد برای انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر که لازم الاجراست و از نظر شرع اهمیت والایی دارد، باید بر جان و مال دیگران تعرض کند. از این رو ماده مزبور به صورت کلی صحیح نیست و تخصیص هایی نیاز دارد.

علاوه بر آن در صورتی که آمر و ناهی در مثل چنین موارد مهمی امر به معروف و نهی از منکر انجام داد و به موجب عمل خود دچار ضمانت هایی نسبت به دیگران شد (مانند اینکه به اموال افراد آسیبی رسید) آمر و ناهی ضامن است و باید خسارت افراد را جبران کند (موسوی خمینی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۳۱۹).

۳-۳-۲. تعرض به حریم خصوصی و حقوق اشخاص

در خصوص «حریم خصوصی» و «حقوق اشخاص» نیز تمام آنچه در بندهای قبل گفته شد، جاری است. برای نمونه اگر - مثلاً - کسی می داند که در حریم خصوصی شخصی، منکری (مثل قتل) در حال اتفاق است، قطعاً شارع مقدس به این نهی از منکر رضایت دارد و مطابق آنچه بیان شده، از نظرات فقها و مراتب امر به معروف و نهی از منکر معلوم می گردد که او باید حریم خصوصی را نقض کند و نهی از منکر را ترجیح دهد و قانون نیز باید این موارد را استثنا کرده، برای این قانون کلی تخصیص هایی در نظر بگیرد.

۲-۴. بند چهارم. حمایت‌ها

به سبب مشکلاتی که در سال‌های اخیر برای برخی از آمران به معروف و ناهیان از منکر به وجود آمده، قانونگذار جمهوری اسلامی ایران با تصویب این قانون، برخی حمایت‌ها را از ایشان به عمل آورده است که شامل حمایت‌های قضایی و حمایت‌های مالی می‌شود:

۲-۴-۱. حمایت قضایی

هر گروه یا شخصی که می‌خواهد اقدام به انجام کاری کند، به‌ویژه آنکه قرار است آن عمل در سطح اجتماع باشد، نیازمند برخی حمایت‌هاست که بهترین آنها حمایت‌هایی است که از طرف دستگاه‌های قضایی از سوی قانونگذار آن کشور برای آنها در نظر گرفته شده است.

ماده ۱۱ قانون مقرر می‌دارد:

قوه قضاییه مکلف است به منظور تسریع در رسیدگی به جرایم موضوع این قانون، شعب ویژه‌ای را اختصاص دهد.

چون در این ماده به بحث «رسیدگی به جرایم» اشاره شده، قابل ذکر است که جرایم در ۷ دادگاه بررسی می‌گردد. شش تای آن در قانون «آیین دادرسی کیفری» مصوب ۱۳۹۲ بیان شده است.

ماده ۲۹۴: دادگاه‌های کیفری به دادگاه کیفری ۱، کیفری ۲، دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوانان، و دادگاه نظامی تقسیم می‌شود.

ششمین عنوان را می‌توان دادگاه کیفری تهران به واسطه صلاحیت ویژه‌ای که در ماده ۳۰۷ قانون «آیین دادرسی کیفری» برای آن در نظر گرفته شده است، معرفی نمود. هفتمین آنها «دادگاه ویژه روحانیت» است.

چون ماده ۱۱ قانون حمایت از آمران به معروف به بحث «جرایم» اشاره کرده است، به نظر می‌رسد به موجب صلاحیت اختصاصی دیوان که در ماده ۱۰ قانون «تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری» مصوب ۱۳۹۲ به آن اشاره شده، انجام این کار خارج از حیطه صلاحیتی دیوان باشد.

درباره «دادگاه ویژه روحانیت» باید گفت: چون این دادگاه تحت نظارت مقام معظم رهبری قرار دارد (ماده یک «آیین‌نامه دادرسی و دادگاه ویژه روحانیت» مصوب ۱۳۶۹ و اصلاحی آذرماه ۱۳۸۴)، به نظر می‌رسد از طریق ایشان باید نسبت به این امر اقدام صورت گیرد. علاوه بر آن، برخلاف قوه قضاییه که ملزم به انجام ماده ۱۱ در ایجاد شعب ویژه است، هیچ‌گونه الزامی در ایجاد شعب ویژه برای دادگاه ویژه روحانیت وجود ندارند و می‌تواند پرونده‌های مربوط به امر به معروف و نهی از منکر را در شعب موجود بررسی کند.

۲-۴-۲. حمایت مالی

در قانون محل بحث، رویکرد حمایتی نسبت به آمران به معروف و ناهیان از منکر دیده شده است. در ماده ۱۳ قانون «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» آمده است:

در مواردی که نسبت به آمر به معروف و ناهی از منکر جنایتی واقع شود و جانی شناسایی نشود و یا در صورت شناسایی، به علت عدم تمکن مالی ناتوان از پرداخت دیه در مهلت مقرر باشد، در صورت تقاضای دیه از سوی مجنی علیه یا اولیای دم، حسب مورد، پس از صدور حکم قطعی از سوی مرجع صالح قضایی، دیه از محل تبصره ماده (۹) این قانون پرداخت می‌شود.

نیز ماده (۱۵) این قانون اشعار می‌دارد:

هرگاه به فردی که در مقام اجرای امر به معروف و نهی از منکر موضوع این قانون اقدام می‌کند، آسیب جسمی یا جانی وارد شود، حسب مورد، آسیب جسمی و جانی مزبور منطبق با قانون جامع «خدمات رسانی به ایثارگران» مصوب ۱۳۹۱/۱۰/۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام و آیین‌نامه اجرایی آن احراز و تعیین می‌شود.

۲-۴-۳. حمایت کیفری: سیاست جنایی ویژه

قانونگذار با تدابیر خاص سیاست جنایی در بحث «امر به معروف» و «نهی از منکر» به منظور حمایت از افرادی که اقدام به انجام امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، گام برداشته است. در ماده (۷) این قانون آمده است:

مجازات اشخاصی که مبادرت به اعمال مجرمانه نسبت به آمر به معروف و ناهی از منکر نمایند، قابل تخفیف و یا تعلیق نیست و صدور حکم مجازات قابل تعویق نمی‌باشد.

به عبارت دیگر، در حالی که ارتکاب جرایم گوناگون حسب مورد، ممکن است با تعویق صدور حکم یا تعلیق اجرای مجازات یا تخفیف مجازات مرتکب همراه باشد، چون بزه‌دیده کسی است که درصدد امر به معروف یا نهی از منکر از فرد خاطی بوده و توسط او مورد تعرض قرار گرفته، دیگر نمی‌توان به این تدابیر جنایی متوسل شد. علاوه بر این، در ماده (۹) آمده است:

اشخاص حقیقی یا حقوقی حق ندارند در برابر اجرای امر به معروف و نهی از منکر مانع ایجاد کنند. ایجاد هر نوع مانع و مزاحمت که به موجب قانون جرم شناخته شده است، علاوه بر مجازات مقرر، موجب محکومیت به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه هفت می‌گردد. در مورد اشخاص حقوقی، افرادی که به سوءاستفاده از قدرت یا اختیارات قانونی و اداری از طریق تهدید، اخطار، توییح، کسر حقوق یا مزایا، انفعال موقت یا دائم، تغییر محل خدمت، تنزل مقام، لغو مجوز فعالیت، محرومیت از سایر حقوق و امتیازات، مانع اقامه امر به معروف و نهی از منکر شوند، علاوه بر محکومیت اداری، به موجب قانون «رسیدگی به تخلفات اداری» حسب مورد، به مجازات بند (پ) ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند.

ابهامی که در این ماده وجود دارد آن است که قانونگذار درباره اشخاص حقوقی عنوان کرده است که چگونه می‌توانند ایجاد مانع کنند و آنها را برشمرده است؛ اما درباره اشخاص حقیقی با عنوان کلی «هر نوع مانع و مزاحمت که به موجب قانون جرم شناخته شده است»، بحث را رها کرده و توضیح دیگری نداده است؛ زیرا ممکن است گاهی افرادی با ایجاد موانع که غیرقانونی هم نیست، مانع انجام امر به معروف و نهی از منکر شوند؛ مثلاً، با ایجاد سروصدا در اطراف آمر، مانع انجام وظیفه او شوند. از این رو به نظر می‌رسد درباره این شرایط هم باید چاره‌اندیشی شود.

هدف از بیان این حمایت‌های مندرج در قانون و توضیح اجمالی نسبت به آنها، ابهامی است که در بند (۱۰) ماده (۱۶) وجود دارد که مقرر می‌دارد: «حمایت همه‌جانبه از اقدامات آمران به معروف و ناهیان از منکر». سؤال این است که مراد از این حمایت همه‌جانبه کدام نوع حمایت است؟ آیا مقصود حمایت‌های ذکر شده در قانون است، یا قانونگذار علاوه بر این، حمایت‌های گسترده‌تری برای این اشخاص در نظر گرفته است؟ به نظر می‌رسد برای رفع این ابهام و جلوگیری از سوءاستفاده در این باره، قانونگذار باید نوع حمایت در بند (۱۰) ماده (۱۶) قانون را مشخص نماید.

۳. ابهامات در قلمرو عملی: اجرای قانون

علاوه بر ابهاماتی که در حوزه نظری و ناظر به مفاهیم و اصطلاحات مشاهده شد، در حوزه عملی و در خصوص نحوه اجرای این قانون نیز سؤالات و ابهامات متعددی وجود دارد که لازم است درباره آنها نیز چاره‌اندیشی شود.

۱-۳. بند اول. شیوه اجرا

مهم‌ترین بحث در زمینه انجام امر به معروف و نهی از منکر، بعد از بیان تمام مقدمات و تصویب قوانین و هر آنچه برای حمایت از این فریضه لازم است، شیوه اجرایی کردن امر به معروف در جامعه است. وقتی قانونی به تصویب می‌رسد، به‌ویژه قانونی که قرار است دربرگیرنده تمام سطوح زندگی افراد جامعه، اعم از اشخاص حقوقی یا حقیقی باشد، توجه به مسائل آموزشی، جامعه‌شناختی، فرهنگی و مانند آن می‌تواند اولاً، در تدوین مناسب قانون راهگشا باشد و ثانیاً، کمک بسزایی به اجرایی آن در جامعه بکند، به‌ویژه آنکه ذهنیت مردم جامعه نسبت به آن عمل نامناسب باشد. از این رو وظیفه قانونگذار است که با فراهم ساختن برخی مقدمات و بیان شیوه‌های اجرایی قانون در جهت انجام بهتر آن گام بردارد.

باین‌همه، باید گفت: متأسفانه قانون «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» علاوه بر ابهامات و مشکلات ذکر شده، ابهاماتی در شیوه اجرای این قانون دارد.

اینکه قانونگذار بیان می‌کند مردم در چارچوب شرع و قانون می‌توانند امر به معروف کنند (ماده ۸)، نمی‌توانند در مرحله اجرا مفید فایده باشد. اینکه شرع به ما گفته است: با قلب و زبان و عمل، امر به معروف کنید، همین مقدار برای انجام امر به معروف کافی است؟ شرع به صورت کلی اصول انجام این فریضه را بیان کرده است که باید در این چارچوب باشد؛ اما اینکه این اصول چگونه باید انجام بگیرد، تبیین این وظیفه بر عهده قانونگذار است که متأسفانه در طول قریب چهل سالی که از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد از آن غفلت شده و موجب بدبینی افکار جامعه نسبت به این فریضه مهم و تأثیرگذار الهی گردیده است.

اینکه شخص همان‌گونه که در کوچه و بازار امر به معروف می‌کند، به همان سبک در نظام اداری امر به معروف و نهی از منکر کند قطعاً نتیجه لازم و اثربخشی ندارد. وظیفه قانونگذار است که با توجه به شناختی که نسبت به مسائل دارد و اطلاعاتی که کسب می‌کند، روش‌های مناسب را در اختیار افراد برای امر به معروف و نهی از منکر قرار دهد.

علاوه بر این، می‌توان به ماده (۱۰) قانون «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» اشاره کرد که مقرر می‌دارد:

وزارت آموزش و پرورش؛ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛ سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان تبلیغات اسلامی؛ سازمان بسیج مستضعفین؛ شهرداری‌ها و سایر نهادها و دستگاه‌های فرهنگی مکلفند شرایط اقامه امر به معروف و نهی از منکر و بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در این خصوص را از طریق آموزش و اطلاع‌رسانی فراهم کنند.

بیان این نکته در اینجا ضروری است که یکی از موانع اجرای هرچه بهتر امر به معروف و نهی از منکر در جامعه مسئله «موازی‌کاری» در این‌باره است. اینکه از همه نهادهای کشور بخواهیم در زمینه امر به معروف و نهی از منکر تلاش کنند خوب است، اما مشکل اینجاست که وظیفه هر کدام را مشخص نکرده‌ایم؛ اینکه هر کدام با توجه به منابع و توانایی‌هایی که دارند در کدام حیطه انجام وظیفه کنند؛ مثلاً ماده (۱۰) وظیفه اطلاع‌رسانی و آموزش را بر عهده تمام نهادهای فرهنگی قرار داده است. بله، این درست است که سیاست‌های کلی و تعیین خط‌مشی در زمینه امر به معروف توسط ستاد امر به معروف و نهی از منکر معین می‌شود (بند یک ماده ۱۶)، اما مسئله اصلی این است که سیاست‌های کلی - مثلاً - در زمینه آموزش چگونه انجام گیرد؟ باید مشخص گردد که هر کدام از این سازمان‌ها چگونه این وظیفه را انجام دهد؟ زیرا هر نهاد و سازمانی دیدگاه‌های مختص به خود دارد و تعیین نکردن وظایف ممکن است موجب تداخل در وظایف و موازی‌کاری گردد.

۲-۳. بند دوم. مرتبه عملی

قانونگذار در ماده (۴) قانون «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» به این نکته اشاره کرده و علاوه بر آن

مرتبه نوشتاری را نیز عنوان کرده است که می‌تواند به گونه‌های بازگشت به مرتبه لسانی باشد. بنابراین مرتبه عملی را قانون چنین مقرر کرده است:

۱. بر عهده دولت (ماده ۴)؛

۲. بر عهده بسیجیان ضابط امر به معروف و نهی از منکر (تبصره ۳ ماده ۱۷) است.

مرتبه عملی را در چند فرض می‌توان تصور کرد:

۱. بین فاعل و منکر حائل شود.

۲. علاوه بر حائل شدن، تصرفی نیز انجام دهد؛ مثل اینکه او را پرت کند یا کاسه شراب یا چاقو را از او بگیرد.

۳. برای جلوگیری از منکر داخل خانه و منکر فاعل شود.

۴. دفع منکر به واسطه ضرر بر فاعل باشد؛ مثل شکستن کاسه شراب یا چاقو.

۵. حائل شدن میان فاعل و گناه متوقف بر حبس یا منع ورود او به خانه باشد.

۶. با زدن و آسیب رساندن مانع انجام عمل شود؛ مثل اینکه گوش او را بگیرد.

۷. منع او جز با مجروح کردن یا قتل ممکن نباشد.

اینها صوری است که برخی از فقها برای مرتبه عملی در نظر گرفته‌اند که در برخی نیاز به اذن امام است و در

برخی نیاز به اذن نیست (موسوی خمینی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۳۱۸-۳۳۳).

بعد از بیان این توضیحات درباره مرتبه عملی، اکنون بیان می‌کنیم که عبارت «مرتبه عملی آن در موارد و

حدودی که قانون مقرر کرده است، تنها وظیفه دولت است» نکته مهمی است که در ماده ۴ قانون وجود دارد.

به هر حال تعیین تکلیف نسبت به این موضوع و اینکه چه مواردی شامل مرحله عملی می‌شود یا

نمی‌شود و حیطة ورود مردم و دولت کجاست، برعهده قانونگذار است که باید هرچه سریع‌تر نسبت به آن

اقدام کند.

۴. ابهامات در قلمرو قضایی: رسیدگی و مجازات

اینکه کدام مرجع قضایی در این زمینه رسیدگی خواهد کرد و چگونه تعیین مجازات می‌کند، بحث دیگری است. آیا

نوع جرم در این موارد ملاک تشخیص است یا کیفیت ارتکاب جرم؟ اینکه کسی در مقام امر به معروف یا نهی از

منکر آسیب ببیند چه تأثیری در وضعیت قضایی مرتکب جرم خواهد داشت؟ همه این موارد ذیل عنوان «دادگاه

صالح» و تعیین مجازات (مشخصاً دیه) در جای خود نیازمند بحث است.

۱-۴. بند اول: دادگاه صالح

در تبصره ماده ۱۵ آمده است:

احراز شهادت یا جانبازی با پیشنهاد کمیته کشوری متشکل از نمایندگان قوه قضائیه، نیروی انتظامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بنیاد شهید و امور ایثارگران و ستاد با تشخیص دادگاه صلاحیتدار صورت می‌گیرد.

براساس این ماده رویه کار این‌گونه متصور است که پرونده آمر و ناهی مضروب و مجروح به شعبه ویژه دادگستری برای این امر (ماده ۱۱) ارسال می‌گردد و در آنجا مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. بعد از آنکه حکم مبنی بر مجروح یا کشته شدن آمر و ناهی و به نفع او صادر گردید، پرونده برای احراز شهادت و تعیین مصداق و تعیین نظر نهایی برای دادگاه صلاحیتدار ارسال می‌گردد.

اولاً، مراد از «دادگاه صلاحیتدار» در تبصره کدام دادگاه است (دادگاه رسیدگی‌کننده، دادگاه کیفری، دادگاه حقوقی)؟

ثانیاً، آیا اصولاً انجام این وظیفه بر عهده دادگاه است که درباره آن در بخش تعارضات بحث می‌کنیم؟ ثالثاً، این برخلاف رویه‌ای است که براساس «آیین‌نامه تعیین واحد از مصادیق عملی شهید، در حکم شهید و سایر مصادیق ایثارگری» (مفقودالثر، جانباز، آزاده و اسیر، مصوب ۱۳۹۲/۲/۲۴ هیأت وزیران) وجود دارد. براساس این آیین‌نامه چنانچه دادگاه رسیدگی‌کننده به پرونده مربوط به امر به معروف و نهی از منکر حکم به نفع آمر و ناهی صادر نماید و حکم به کشته شدن او دهد، او شهید محسوب می‌شود. به هر حال به نظر می‌رسد رویه موجود در آیین‌نامه مصوب سال ۱۳۹۲ مناسب‌تر و معقول‌تر به نظر می‌رسد؛ زیرا اولاً، جداکردن این مورد از سایر موارد ترجیح بلامرغ است. ثانیاً، ایجاد کمیته جدید سبب افزایش هزینه‌ها می‌گردد که متعارض با اصل ۷۵ قانون اساسی است. ثالثاً، احراز شهادت و جانبازی عملی غیرقضایی است که براساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی جزو وظایف قوه قضائیه محسوب نمی‌گردد.

۲-۴. بند دوم. اخذ دیه

ماده ۱۳: در مواردی که نسبت به آمر به معروف و ناهی از منکر جنایتی واقع شود و جانی شناسایی نشود و یا در صورت شناسایی به علت عدم تمکن مالی ناتوان از پرداخت دیه در مهلت مقرر باشد، در صورت تقاضای دیه از سوی مجنی‌علیه یا اولیای دم حسب مورد، پس از صدور حکم قطعی از سوی مرجع صالح قضایی، دیه از محل تبصره ماده (۹) این قانون پرداخت می‌شود.

تبصره: هر گاه جانی شناسایی شود یا تمکن مالی پیدا کند، ستاد می‌تواند در صورت اذن مجنی‌علیه یا ولی وی حسب مورد، نسبت به وصول دیه و خسارات مربوطه از طریق محاکم قضایی اقدام نماید.

۱. در صورت عدم شناسایی و تمکن جانی، دیه از محل تبصره ماده (۹) پرداخت می‌گردد. اما با توجه به مبلغ کم جزای نقدی نسبت به دیه افراد، پرداخت دیه از این محل کافی به نظر نمی‌رسد و برای مابقی مقدار دیه باید از طریق بیت‌المال اقدام شود. از این رو به نظر می‌رسد برای جلوگیری از طولانی شدن مرحله پرداخت و فرایند اداری اضافی، از همان ابتدا، دیه از بیت‌المال به مجنی‌علیه یا اولیای او پرداخت گردد.

۲. براساس تبصره ماده (۱۳) چنانچه ستاد در موارد ذکرشده دیه را به مجنی‌علیه یا اولیای او پرداخت کرد، اما بعد از مدتی جانی شناسایی شد یا تمکن مالی پیدا کرد، ستاد می‌تواند در جرایم مستوجب جرح با اذن مجنی‌علیه و در موارد فوت با اذن اولیای دم خسارات پرداختی را از طریق محاکم قضایی دریافت نماید. اما ابهام این تبصره قید «در صورت اذن مجنی‌علیه یا ولی وی» است.

مسئله را به چند صورت می‌توان بیان کرد:

– در ضرب و جرح عمدی که مستوجب قصاص است و جانی متواری شده و ستاد دیه را به اولیای دم پرداخت می‌کند و بعد از مدتی جانی دستگیر می‌شود. در این صورت، یا اولیای دم تقاضای قصاص می‌کنند که مبلغ پرداخت‌شده به ایشان بازپس گرفته می‌شود و یا دیه پرداخت‌شده را می‌پذیرند و از قصاص صرف‌نظر می‌کنند. اگر دیه را بپذیرفتند یا شخص جانی تمکن مالی ندارد یا دارای تمکن مالی است، در این صورت ستاد می‌تواند نسبت به دریافت دیه پرداختی اقدام کند.

در ضرب و جرح غیرعمد و شناسایی جانی و تمکن او، ستاد نسبت به دیه پرداختی به مجنی‌علیه اقدام می‌کند. حال سؤال این است که مراد از این قید چیست؟ آیا این اذن جنبه صوری دارد که در این صورت برای چه آورده شده است؟ یا نه، جنبه حقیقی دارد؟ یعنی: اگر مجنی‌علیه اذن ندهد، ستاد نمی‌تواند دیه را بگیرد؟ به نظر می‌رسد بیان این قید هیچ جایگاهی نداشته باشد، مگر اینکه آن را اذن در قصاص یا گرفتن دیه در ضرب و جرح عمدی برداشت کنیم که با توجه به نوع نگارش ماده و اطلاق این قید، بعید به نظر می‌رسد. به هر حال، بهتر است این قید حذف گردد؛ زیرا ممکن است در صورتی که قید حقیقی باشد موجب تبانی بین جانی و مجنی‌علیه گردد.

نتیجه‌گیری

اصل هشتم قانون اساسی به‌مثابه زیربنای حقوقی تمام قوانین کشور، به این واجب مهم اشاره کرده و آن را وظیفه تمام افراد جامعه در تمام سطوح و ارتباطات اجتماعی (مردم با مردم، مردم با دولت، دولت با مردم) قرار داده است. امروزه در قوانین و آیین‌نامه‌های کشور به نوعی حرکت در جهت این امر مهم از وظایف نهادها و سازمان‌های گوناگون (آموزش و پرورش، دانشگاه، نیروی انتظامی و مانند آن) قرار گرفته است که نشان از اهمیت و تأثیر این امر در زدودن مشکلات و معضلات موجود در جامعه دارد.

با توجه به اهمیت و جایگاه این فریضه الهی، متأسفانه در طول این سال‌ها هیچ‌گاه اهمیت این فریضه مدنظر قرار نگرفته و فقط عده‌ای از افراد در جامعه اسلامی در این جهت گام برداشته‌اند که همین افراد هم گاهی مضروب و مجروح شده و گاهی فوت گردیده‌اند.

قانونگذار در جهت حمایت از این قبیل افراد، در تاریخ ۱۳۹۴/۱/۲۳ اقدام به تصویب قانون «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» نمود. متأسفانه اختلافات و ابهامات فراوانی در این قانون وجود دارد که این قانون بررسی شد و مبانی حقوقی آن تحلیل گردید.

پیشنهادها

۱. شرایط امر به معروف و نهی از منکر به مثابه یکی از مواد قانونی و قبل از مراتب امر به معروف بیان گردد.
۲. افرادی که می‌خواهند در جامعه اقدام به انجام این فریضه کنند، به آموزش و آگاهی از احکام امر به معروف و نهی از منکر و تعیین ضمانت اجرا درباره کسانی که بی‌علم و آگاهی اقدام به این عمل می‌کنند الزام و تکلیف شوند و دوره آموزشی ویژه‌ای برای قضات رسیدگی‌کننده به پرونده‌های مربوط به امر به معروف و نهی از منکر توسط معاونت «منابع انسانی» قوه قضاییه طراحی گردد.
۳. برای افرادی که به بهانه امر به معروف و با اهداف غیرشرعی اقدام به تجسس و تعرض به زندگی خصوصی مردم می‌کنند، مجازات تعیین و تشدید گردد.
۴. ماده‌ای در انتهای قانون، مبنی بر آزمایشی بودن آن - مثلاً به مدت سه سال - اضافه شود تا در حین اجرا چنانچه با مشکلی مواجه گردد، مجلس مکلف به اصلاح آن باشد.

منابع

- اصفهانی، محمدتقی (مجلسی اول)، ۱۴۱۴ق، *لوامع صاحبقرانی*، چ دوم، قم، اسماعیلیان.
- جرجانی، علی بن محمد، ۱۴۱۱ق، *التعريفات*، قاهره، دارالکتب المصری.
- حلی، مقدادبن عبدالله سیوری، ۱۴۲۵ق، *کنز العرفان فی فقه القرآن*، قم، مرتضوی.
- طباطبایی مومنی، منوچهر، ۱۳۸۴، *حقوق اداری*، چ یازدهم، تهران، سمت.
- عاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی)، ۱۴۲۸ق، *الروضه البهیة فی شرح المعنة الدمشقیة*، چ چهارم، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
- فخررازی، محمدبن عمر، ۱۴۲۰ق، *تفسیر کبیر (مفتاح الغیب)*، چ سوم، بیروت، دارالفکر.
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، ۱۳۸۲، *بایسته‌های حقوق اساسی*، چ سیزدهم، تهران، میزان.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۲، *آذرخشی دیگر از آسمان کربلا*، چ دهم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
- موسوی خمینی، روح‌الله، ۱۴۲۵ق، *تحریر الوسیله*، ترجمه علی اسلامی، چ بیست و یکم، قم، جامعه مدرسین.